

کابینه فضل‌الله زاهدی از نگاه کاردار سفارت فرانسه در ایران

عطا آینی

روی کار آمدن سرلشکر زاهدی با دخالت بیگانگان پس از وقایع تلخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یکی از موضوعات مهم تاریخ معاصر ایران می‌باشد که بدون تردید به رغم انبوه نوشتارهای متفاوت سیاسی، هنوز محتاج تحقیقات عمیق با نگاهی وسیع و با تأکید به اسناد جدیدتری است. با توجه به اینکه امریکاییان و انگلیسیها تدارک‌دهندگان اصلی واژگون کردن دولت مصدق بودند به همین جهت پژوهشگران تاریخ معاصر طبیعتاً توجهشان را بیشتر و حتی فقط به سوی آرشیوهای دو ایرقدرت مذکور سوق می‌دهند. در صورتی که اعضای سفارت فرانسه در ایران اعم از سفیر و کاردار و وابسته نظامی شاهدان عینی روند اوضاع و حتی در جریان تغییر و تحولات سیاسی ایران بوده‌اند و برای حفظ منافع خود با دیدی دقیق‌تر و فعالانه به مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در ابعاد گوناگونش پرداخته‌اند. گزارش کاردار فرانسه در ایران که از نظر خوانندگان محترم فصلنامه مطالعات تاریخ معاصر ایران می‌گذرد گویای این امر می‌باشد. این گزارش در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه در پاریس به نشانی $\Gamma \text{ II}$ sie نگهداری می‌شود.

سفارت فرانسه

تهران: ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۳

در ایران

شماره: ۷۳۶/

از ژان دو گارنیه دگاره، کاردار فرانسه در ایران

به عالیجناب ژرژ بیدو، وزیر امور خارجه

موضوع: اوضاع کابینه زاهدی

یک ماه از تشکیل کابینه ژنرال زاهدی می‌گذرد و با این حال هنوز این کابینه فاقد وزیر



فضل‌الله زاهدی نخست‌وزیر به همراه چند تن از مقامات لشکری و کشوری | ۱۰-۱۶۲۳

کشور و وزیر امور خارجه می‌باشد و همواره مرحله تکاملی خود را سپری می‌کند. اتخاذ برخوردهای احتیاط‌کارانه و اعمال سرکوبگرانه از خصوصیات این دولت است: حکومت نظامی که تقریباً یک حرکت معمولی و عادی در این کشور به خود گرفته است هنوز برقرار می‌باشد و قانون منع عبور و مرور که از ساعت ۸ شب مقرر گردیده بود همچنان پابرجاست، ولی زمان آن در حال حاضر از ساعت ۲۴ شب تا ۵ صبح می‌باشد. هر نوع گردهمایی در خیابانهای شهر ممنوع اعلام شده است و خلافکاران و تبهکاران در صورت ارتکاب جرم در دادگاههای نظامی محاکمه می‌شوند. به دشواری می‌توان تعداد دستگیریه‌ها را مشخص نمود ولی کاملاً روشن است که تعداد این دستگیریه‌ها بالا می‌باشد زیرا روزی نیست که در روزنامه خبر دستگیری و به زندان افتادن دهها تن را منتشر نکنند. البته این واقعیت دارد که دولت آنان را خیلی زود رها می‌نماید. ارقام رسمی که می‌توان به آنها اعتماد داشت خبر از دستگیری ۱۵۰۰ نفر در سراسر کشور می‌دهد. حملات پلیس به طور کلی متوجه طرفداران قدیمی دکتر مصدق

و گروه‌ها و مراکز تبلیغی حزب توده است. در ادارات سیاست پاکسازی ادامه دارد هدف این امر از یک سو حذف و از میان بردن عوامل خطرناک حزب توده و طرفداران دکتر مصدق و از سوی دیگر موجب فراهم آوردن زمینه برای طرفداران دولت می‌باشد. تعدادی از سفیران ایران در خارج از کشور از کار برکنار گردیدند و به تهران احضار شده‌اند در بین آنان می‌توان از سفیر ایران در واشنگتن، پاریس، بغداد، استکهلم و برن و همچنین کاردار سفارت ایران در رم نام برد. دکتر مصدق و همکاران اصلی وی در حال حاضر تحت پیگیری قضایی قرار گرفته‌اند در حالی که تلاشهای مقامات دولتی به منظور یافتن دکتر فاطمی تاکنون بدون نتیجه مانده است و بنابر آخرین شایعات گفته می‌شود که وی به عراق پناه برده است سانسور شدیدی بر مطبوعات تحمیل گردیده و تعداد زیادی از روزنامه‌ها از طرف مقامات دولتی تعطیل شده است.

علی‌رغم شدید بودن این قوانین این شدت عمل هنوز برای از میان بردن کامل مخالفین دولت کافی به نظر نمی‌رسد. در این روزهای اخیر تظاهرات کوچک و پراکنده‌ای در پایتخت به وقوع پیوست و دانشگاه شاهد ناآرامی‌هایی بود و ملی‌گرایان و حزب توده اعلامیه‌های بسیار شدیداللحنی را پخش نمودند در صورتی که شعار مبهم «ما شاه را می‌خواهیم ولی زاهدی را نمی‌خواهیم» از طرف گروه‌های چپ در سطح شهر بر سر زبان عام و خاص بود. بنابراین گروه‌های مخالف دولت که در فردای ۱۹ اوت یعنی روز کودتا از هم پاشیده شده بودند مجدداً جان گرفتند. دولت با پخش اعلامیه‌های تهدیدآمیز در مقابله با مخالفین برخاست و اعلام داشت که قوانین نظامی با تمام شدت عمل به کار گرفته خواهد شد. در ضمن هرکسی که به جنایتکاران دولت سابق جهت مخفی شدن‌شان یاری رساند به عنوان همدست بازداشت خواهد شد و تبهکاران مجرم به سلاح به مرگ محکوم خواهند شد. در حال حاضر عملیات گروه‌های مخالف دولت بسیار محدود است و دولت در سراسر کشور بر اوضاع تسلط دارد.

دولت بر روی حمایت ارتش قبل از هر نیروی دیگر حساب می‌کند. ارتشی که در طی کودتا نقشی را که همگی بر آن آگاهی داریم ایفا نمود و اکنون حامی اصلی دولت جدید محسوب می‌شود. [بنابراین] از هیچ تلاشی برای واگذاری مجدد یک نقش درجه اول به ارتش بسان موفقیتی که در گذشته در این کشور از آن برخوردار بود کوتاهی نگردید، نقشی را که ارتش به دنبال وضع قوانین و اقدامات دولت دکتر مصدق از دست داده بود. به افسرانی که قبل از پایان خدمتشان از طرف دکتر مصدق بازنشسته گردیده بودند اجازه

داده شد که مجدداً به خدمت گرفته شوند. شاه چندین بار مراتب رضایت خاطر خویش را از نیروهای امنیتی اعلام داشت. سران نیروهای نظامی که در آشوبها و کودتا فعالیتهای چشمگیری از خود نشان داده بودند به درجات بالاتر ارتقاء یافتند. روز ۳ سپتامبر روز جشن ارتش واحدهای مستقر در پادگانهای تهران و نزدیک پایتخت در خیابانهای تهران رژه رفتند. در روزهای اخیر ۲۰۰ تن از افسران و خانواده‌هایشان به حضور شاه و ملکه شرفیاب شده‌اند و دربار اعلام کرد که در هفته یک چنین دعوتی به عمل خواهد آمد.

به موازات امتیازاتی که به نیروهای مسلح داده شده یک حرکات تبلیغاتی ماهرانه‌ای نیز در مورد ایلات و عشایر اعمال می‌گردد. ژنرال زاهدی و به ویژه شاه، سران قبایل را هر کدام به نوبه خود به حضور پذیرفتند. به زعم عشایر شاه تنها وارث قدرت در کشور می‌باشد. به همین جهت نمایندگان سرشناس ایلات بختیاری بلوچ و کرد به نوبت با شاه ملاقات داشتند که طی آن مراتب وفاداری خود را به شاه و حکومت سلطنتی اعلام نمودند این چنین به نظر می‌رسد که مشکلاتی در رابطه با ایل قشقایی که به طور سنتی عصیانگر هستند پیش آمده است. این چنین گفته می‌شود که آنان به شرطی به دولت می‌پیوندند که اطمینان پیدا کنند مساعدتهایی نسبت به آینده و وضعیت دکتر مصدق به دست آورند. ژنرال زاهدی به صراحت به آنها اعلام نمود که دولت آینده به اندازه کافی قوی می‌باشد که بتواند بدون هیچ‌گونه دادوستد یا مصالحه‌ای اراده خود را بر آنان تحمیل نماید و آنان را به اطاعت وادارد.

محمدرضاشاه با برکناری مصدق آن هم به شیوه کودتا و انتصاب زاهدی به نخست‌وزیری درصدد این بود تا با این عمل بر محبوبیت خود بیفزاید و به نظر می‌آید که وی تصمیم دارد به طور مستقیم در امور کشور دخالت نماید. او شخصاً به من گفت که در دوران دولت حکومت مصدق ناگزیر بوده است که از فعالیتهای سیاسی فاصله بگیرد ولی اکنون مصمم است که به تمام وظایفی که در محدوده مقام سلطنت می‌باشد به طور جدی عمل نماید. شاه در واقع نه تنها فرماندهی عالی ارتش را مجدداً در دست گرفته است و روابط تنگاتنگی با نخست‌وزیر، وزیران، رئیس ستاد ارتش و رؤسای شهربانیها برقرار کرده است بلکه این روزها فعالیتهای عمومی خود را با مصاحبه با روزنامه‌نگاران ملاقات با مقامات رسمی، به حضور پذیرفتن سران ایلات و عشایر و فرستادن پیام به مردم تشدید کرده است. او در پیامهای خویش به مردم خود را به عنوان رهبر کشور معرفی می‌کند و در برخی از مواقع در مورد استقلال ایران و لزوم مبارزه با استعمار و



محمدرضا پهلوی و فضل‌الله زاهدی نخست‌وزیر و دو تن از اعضای کابینه وی | ۶۳۳-۱۳۱۱ع

امپریالیسم سخن به میان می‌آورد.

یک چنین صحبتها و جبهه‌گیریهایی را حتی طرفداران دوآتشه دکتر مصدق به سختی مطرح می‌کردند. اعلام شده است که شاه به زودی به برخی از استانهای ایران مسافرت خواهد کرد. همچنین گفته می‌شود که امکان انجام مراسم تاجگذاری محمدرضا شاه وجود دارد. ولی شاه انجام چنین مراسمی را رد می‌نماید و اعلام داشته که در کشور کارهای ضروری‌تری وجود دارد که در اولویت است و باید هرچه زودتر انجام بگیرند. در حال حاضر وقتی تمامی حرکت‌های سیاسی در صحنه سیاسی ایران را در کنار هم قرار می‌دهیم به خوبی متوجه می‌شویم که رهبران فعلی ایران درصدد هستند افکار عمومی ایرانیان که تا به امروز تحت تأثیر افکار و جنبش ملی‌گرایانه قرار داشت به سوی دو تفکر یعنی سلطنت‌خواهی و ارتش که به طور سنتی چهارچوب و اساس کشور را تشکیل می‌دهند مبذول سازند.

دستگاه و نظام حکومتی محورگرایی شخصی که دکتر مصدق در طی دوران حکومت خود در ایران بنیاد نهاده بود شرایط اجتماعی و سیاسی کشور را واژگون کرده بود. تنی چند از وزرای کابینه زاهدی که می‌توانستیم با آنان گفت‌وگو داشته باشیم جملگی با اطمینان از بی‌نظمیهای حاکم بر دستگاههای دولتی و اداری کشور سخن می‌گفتند. به همین جهت دولت زاهدی سریعاً به پیاده نمودن برخی از سیاستهای خود اهتمام ورزیده است و دیوان عالی کشور را مجدداً احیاء کرده است. او با همکاری رهبران گروههای مختلف سیاسی مجلس به بررسی و مطالعه مشکلات مجلس شورای ملی و مجلس سنا پرداخته است. کاهش تعداد نمایندگان مجلس به ۲۵ نماینده از لحاظ قانون اساسی کشور موانعی بر سر راه تشکیل جلسه به وجود می‌آورد و دولت در چنین شرایطی در برابر دو راه حل قرار دارد؛ یا اینکه باید دست به برگزاری انتخابات عمومی بزند و یا اینکه انتخابات سال ۱۹۵۲ را که فقط در مناطق شمالی کشور صورت گرفت کامل نماید. چنانچه به مطالبی که در گفت‌وگویی با فرانسوا کوله (سفیر فرانسه) داشته استناد نمایم به این نتیجه می‌رسیم که زاهدی بیشتر به راه حل دوم تمایل دارد ولی به نظر می‌رسد که او هنوز تصمیم خود را به طور قطعی نگرفته است. مشکل مجلس سنا خیلی پیچیده‌تر است. وزارت امور خارجه به یاد می‌آورد که سال گذشته در جریان یک رأی‌گیری استثنایی مجلس شورای ملی تصمیم گرفت که زمان خدمت نمایندگان مجلس سنا را همانند مجلس شورای ملی دو سال تعیین نماید. بنابراین نمایندگان سنا از سه سال پیش

تا امروز در سمت خود مشغول به خدمت بوده‌اند. این رأی‌گیری مورد تأیید شاه نیز قرار گرفته بود و به خودی خود موجبات انحلال مجلس سنا را فراهم می‌آورد. این مسئله همان‌طوری که دکتر مصدق به من در اواخر ژوئیه گفته بود یک شعبده‌بازی سیاسی واقعی بود. در یک چنین وضعیتی نمایندگان مجلس خواسته خود را نسبت به از سرگیری مجدد فعالیت‌های خود ابراز می‌دارند در حالی که مجلس شورای ملی یک چنین حقی را برای آنان قائل نیست. همان‌طوری که ملاحظه می‌فرمایید در اینجا یک اختلافی وجود دارد که در آینده نزدیک دولت مجبور به یافتن راه‌حلی برای آن می‌باشد. در هر صورت ایران اکنون فاقد یک قدرت قانون‌گذاری است و نبودن چنین امری موجبات خرسندی زاهدی را فراهم کرده است. و دست وی را در پیاده نمودن سیاست‌های خود باز گذاشته است. ولی ادامه چنین روندی به مخالفین وی این اجازه را می‌دهد که او را به دیکتاتور بودن متهم سازند و این همان اتهامی است که قبلاً به دولت دکتر مصدق نسبت داده بودند. بنابراین لازم است که در آینده‌ای کم و بیش نزدیک موقعیت سیاسی کشور به حالت عادی برگردد.

۱۱۹

از نظر اجتماعی شاه اراده خود را نسبت به تقسیم نمودن زمین‌های خود بیان نموده است. در حالی که دولت نیز از زبان نخست‌وزیر به طور رسمی اعلام نمود که تمام سعی و تلاشش را متوجه بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی طبقات کارگر و روستاییان خواهد نمود. بنابراین چنین به نظر می‌آید که دولت متوجه است که حتی باید اوضاع اقتصادی طبقات زحمتکش کشور را بهتر نمود. همان‌طوری که چند روز قبل وزیر جدید کشاورزی به من گفت «این خیلی احمقانه است که حزب توده را مورد حمله قرار دهیم ولی برای از میان بردن فقر در کشور هیچ اقدامی انجام ندهیم در حالی که خوب می‌دانیم که این فقر و وضعیت اسفبار اقتصادی کشور است که هر روز بر تعداد اعضای حزب توده می‌افزاید».

ژنرال زاهدی تصمیم دارد در جنوب شهر تهران ۷ هزار واحد مسکونی جدید برای کارگران احداث کند. وی همچنین اعلام نمود که بخش‌های مهمی از کمک‌های مالی آمریکا صرف برنامه‌های عمرانی مهم خواهد شد. این برنامه‌ها به دولت امکان می‌دهد که از تعداد بیکاران در کشور بکاهد. مع‌ذالک در این زمینه این خطر وجود دارد که خواسته‌ها و برنامه‌های زاهدی هیچ‌وقت پا به مرحله واقعیت نگذارد. در واقع این برنامه‌ها و پیشنهادها با مخالفت قشرهای بزرگ مالکین و حتی طبقات متوسط کشور که دارای طرز

تفکر ارتجاعی و واپسگرا هستند روبه‌رو شده است. این اقشار در زمانی که در برابر خطر و تهدید کمونیستها قرار گرفته بودند دچار هراس شده بودند. ولی اکنون با برقراری مجدد نظم و امنیت آنان بر این باور هستند که امتیازات و مواضع خود را تحکیم ببخشند. چنین طرز تفکر در آنان بیشتر تقویت شده است زیرا بسیاری از صاحب‌منصبان اداری که پس از وقایع ۱۹ اوت بر سر کارها برگشته‌اند از کادرهای قدیمی دولتی و اداری بوده‌اند و به طبقات بزرگ مالکین و قشر متوسط کشور وابسته‌اند. بنابراین ژنرال زاهدی و مشاورین وی برای به وجود آوردن تغییرات عمیق و جدید در ساختار جامعه ایرانی از خود شهامت و استقلال زیادی نشان بدهند.

در حال حاضر مهم‌ترین مشکل دولت را مسئله مالی تشکیل می‌دهد. ژنرال زاهدی در یکی از سخنرانیهای خود از ناهنجاری وضعیت مالی کشور پرده برداشته و اعلام داشت که خزانه دولت خالی است. وی ادعا نمود که دولت قبلی در حدود سه میلیارد ریال اسکناس چاپ کرد و قرضی به مبلغ ۱۷ میلیارد ریال به جای گذاشته است. دولت جدید به هیچ عنوان حاضر نیست که سیاست تورمی دکتر مصدق را دنبال نماید به همین جهت نه تنها دولت جدید باید برای خریدهای خارجی خود ارز تهیه کند بلکه برای پرداخت‌های مخارج دولتی از جمله مستخدمین دولت و سازمانهای غیردولتی و غیره احتیاج به فراهم کردن ریال دارد. کمک ۹۵ میلیون دلاری آمریکا به دولت جدید این امکان را می‌دهد که در طی ماههای آینده جوابگوی مخارج دولت باشد. مع‌ذالک نخست‌وزیر و وزیر دارایی اعلام نمودند که این مبلغ برای راه‌اندازی اقتصاد کشور ایران کاملاً ناکافی است و برای ترمیم اوضاع اقتصادی کشور لااقل به ۳۰۰ میلیون دلار نیاز دارد. این برآورد در تاریخ ۱۰ سپتامبر توسط زاهدی به سفیر آمریکا ابلاغ گردید. در هر صورت کمک مالی آمریکا که بیش از این به دولت ایران پرداخته گردیده است به خاطر سرعت عمل و عدم وجود شرایط سیاسی ناشی از این کمک مالی یک نوع موفقیت برای ژنرال زاهدی و همکارانش محسوب می‌گردد. در حقیقت هیچ‌گونه شرط و فشاری به دولت ایران در قبال پرداخت این کمک مالی اعمال نگردید. در حال حاضر نشستهایی در جهت مطالعه راههای مصرف این کمک مالی صورت گرفته است. مع‌ذالک تا به امروز دولت آمریکا دلایلی برای ابراز رضایت نمودن از نحوه مصرف این کمکهای مالی پیدا ننموده است. کمکهای مالی آمریکا بدون اینکه صرف بهبود اوضاع اقتصادی کشور ایران بگردد با سرعت زیادی از بین می‌رود. باید امیدوار بود که دولت جدید از بکار گرفتن



محمدرضا پهلوی و دولت آیزنهاور | ۵۳-۱۱ع |

شیوه‌های قدیمی اجتناب خواهد کرد. البته این واقعاً امری گستاخانه می‌باشد که فکر کنیم در دولت جدید فساد مالی وجود نخواهد داشت. باید در نظر داشت که کمک مالی آمریکا که در جهت کمک به راه‌اندازی دولت جدید صورت گرفته است در سالهای آینده احتمالاً تمدید نخواهد شد. بدون شک این نکته یکی از مواردی بود که نمایندگان دولت آمریکا بر روی آن تأکید نمودند. در آینده‌ای نه چندان دور کشور ایران می‌بایستی با تکیه بر منابع خود زندگی کند و در یک چنین اوضاعی می‌بایستی راه‌حلی برای مشکل نفت پیدا نماید. بنابراین در این مقوله موفقیت دولت چندان راحت و ساده نیست زیرا دولت زاهدی نمی‌تواند به سیاست ملی‌گرایانه دولت قبلی پشت‌پا بزند و آن را ندیده بگیرد و در ضمن نمی‌تواند ایران را از تنها منبع ثروت که در حال حاضر در اختیار دارد محروم نگه دارد. در سخنرانیها و نطقهایی که در این روزها سیاستمداران ایرانی ایراد می‌نمایند کم‌وبیش این تناقض را می‌توان لمس نمود. این سیاستمداران ادعا می‌نمایند که ایران از حقوق خود در رابطه با مسئله نفت که ضمناً در دادگاه توکیو مجدداً مورد تأیید قرار گرفته است نمی‌تواند چشم‌پوشی نماید و حتی ایران نمی‌پذیرد که هیچ‌گونه تغییر در قانون ملی کردن نفت داده شود. ولی آنان بلافاصله در دنباله گفته‌های خود اضافه کردند که ایران نمی‌تواند بدون حل و فصل نمودن مسئله نفت وارد مرحله پیشرفت و سازندگی شود. در حال حاضر دولت شاید به جهت رام کردن و آرام نمودن افکار عمومی و شاید هم در رابطه با مذاکرات آینده که بر سر مسئله نفت پیش خواهد آمد از خود شتاب چندان برای باز نمودن مجدد پرونده نفت نشان نمی‌دهد.

ژنرال زاهدی در نامه‌ای که به آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا فرستاد از تمایل خود در برقراری روابط دوستانه با سایر کشورهای قدرتمند جهان که در اردوگاه غرب قرار دارند سخن گفته و این روابط را تنها بر پایه احترام متقابل به حقوق یکدیگر قابل دوام دانسته است. وی همچنین خاطرنشان ساخت که دولت وی در صدد یافتن راه‌حلهای مسالمت‌آمیز برای پایان دادن به اختلافات فعلی و احیاناً مشکلاتی که در آینده در روابط دو کشور روی خواهد داد می‌باشد. این گفته‌ها به روشنی و صراحت از اراده دولت ایران برای برقراری مجدد روابط سیاسی با دولت انگلستان خیر می‌دهد. این برقراری روابط سیاسی می‌تواند قبل از حل مسئله نفت و یا بعد از حل این اختلافات انجام بگیرد ولی در هر حال این برقراری روابط الزاماً مشروط بر این است که به اختلافات دو کشور در مورد مسئله نفت پایان داده شود.

بیانات زاهدی می‌تواند در مورد روابط میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی هم صادق باشد. دولت ایران تا حدودی نسبت به عکس‌العمل اتحاد جماهیر شوروی درباره کودتای سلطنت‌طلبان احساس نگرانی می‌کرد. بیماری مرموز و ناگهانی که گریبان‌گیر لاوراتینف شده بود موجب افزایش تشویش و اضطراب در محافل سیاسی تهران گردید. این محافل از واکنش متعادل رادیو و مطبوعات اتحاد جماهیر شوروی احساس رضایت می‌کردند و همین موضوع باعث گردید که دولت جدید بتواند به مذاکرات خود با اتحاد جماهیر شوروی در زمینه روابط اقتصادی که از چندی پیش آغاز گردیده بود ادامه داده که به انعقاد یک قرارداد تجاری با این کشور به توافق رسید که آن را به طور مصنوعی و دور از واقعیت یک پیروزی برای دو کشور قلمداد نمودند. بدون شک مذاکرات در مورد اختلاف میان دو کشور شاید به خاطر عدم حضور سفیر اتحاد شوروی به حالت معلق باقی مانده است.

در تهران گفته می‌شود که مذاکرات بر سر این اختلاف دنبال خواهد شد. با وجود این دولت زاهدی که مجبور است در داخل کشور عملیات سرکوبگرانه خود را علیه حزب توده ادامه بدهد و از آنجایی که از واکنشهای دولت شوروی بی‌اطلاع است بنابراین از این بیم دارد که این کشور در آینده‌ای نه چندان دور دست به عملیات تلافی‌جویانه علیه دولت ایران بزند. ولی همان‌طوری که زاهدی دو روز پیش به یکی از رهبران سیاسی مجلس اظهار داشت این اولین بار نیست که ایران یک یادداشت اعتراض‌آمیز از اتحاد جماهیر شوروی دریافت می‌کند و در اصل این کشور هیچ‌گونه امکانی برای وارد آوردن فشار مستقیم بر دولت ایران را ندارد.

در رابطه با کشورهای عرب و آسیایی هیچ‌گونه توضیحی در نیت و سیاست دولت ایران مشخص نیست. به احتمال زیاد این دولت سعی خواهد نمود که با این کشورها که لاقلاً از نظر موقعیت جغرافیایی وابستگیهایی دارد یک سیاست دوستانه‌ای را دنبال نماید. استقبالی را که مقامات عراقی از شاه ایران به هنگام توقف‌اش در بغداد از وی به عمل آوردند تا حدودی سردی روابط میان دو کشور را کاهش داده است. بنابراین ما نباید انتظار داشته باشیم که تغییرات عمیق و سریعی در سیاستهای ایران در رابطه با مسائل آفریقای شمالی مسئله اعراب به طور کلی و احتمالاً مسئله سیاست دفاع خاورمیانه از طرف دولت جدید به مرحله اجرا درآورده شود. با وجود اینکه در مورد آخرین مسئله یعنی سیاست دفاعی خاورمیانه به خاطر نفوذ آمریکا و وجود بیم و هراس

از اتحاد جماهیر شوروی این احتمال وجود دارد که دگرگونی‌هایی در این زمینه در سیاست دولت ایران رخ بدهد، ولی این مطلب یک فرضیه بیش نیست و در هر صورت امکان بروز یک چنین تغییر و تحولی در سیاست ایران احتیاج به زمان دارد. معذالک اینجانب یادآوری می‌نمایم که ژنرال وثوق معاون وزیر جنگ به زودی برای مطالعه ابعاد مختلف کمک‌های آمریکا به ایران به این کشور سفر خواهد کرد.



در مورد رابطه با فرانسه باید گفت که دولت فرانسه می‌بایستی از تغییری که در حکومت جدید ایران به وجود آمده است احساس خوشحالی و رضایت نماید. در مجموع به نظر می‌رسد که اعضای کابینه جدید نسبت به کشور فرانسه نظر مساعدی دارند. روابط سفارت فرانسه با مقامات دولت کنونی در این روزها خیلی ساده‌تر و دوستانه‌تر می‌باشد در حالی که در حکومت قبلی این چنین نبود. و روابط سفارت ما با حکومت سابق یعنی دکتر مصدق بیشتر بستگی به حالت مزاجی دکتر مصدق داشت. یکی از علائم این خط‌مشی جدید سیاسی را شاید بتوان در تصمیمی که اخیراً وزیر اقتصاد گرفته است مشاهده نمود. وی بنا به خواست ما و بدون تعیین کردن هیچ‌گونه شرطی نرخ مبادلات ارزی را که در روابط تجاری ایران و فرانسه اعمال می‌گردند تغییر داد. این نرخ ارزی غیرقابل قبول در زمان دکتر مصدق برقرار شده بود. ما همچنین می‌توانیم از انتصاب آقای رئیس به عنوان سفیر ایران در پاریس که همیشه احساسات دوستانه‌ای نسبت به ما از خود نشان می‌دهد ابراز رضایت نماییم.

بنابراین مشکلاتی را که دولت باید با آنها دست و پنجه نرم نماید خیلی دشوار و متعدد می‌باشند. در حال حاضر دولت ایران بر اوضاع کشور تسلط دارد. معذالک مشخص می‌باشد که تمام نیروها و احزاب و گروه‌هایی که از یک ماه پیش به دولت جدید پیوسته‌اند جملگی از روی اعتقاد و صداقت به چنین عملی دست نزده‌اند. دشمنی و مخالفت حزب توده و طرفداران دکتر مصدق نسبت به دولت جدید همچنان پا برجاست. تظاهراتی که در چند روز گذشته رخ داده است و من در مورد آنها قبلاً توضیح داده‌ام نمایانگر وضعیت موجود در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران می‌باشد. ایران در

تمام زمینه‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی نیاز به سازندگی و یا بازسازی دارد و فقط در صورتی که ژنرال زاهدی و همکارانش موفق بشوند هرچه زودتر اصلاحاتی را در ساختار جامعه ایران به وجود بیاورند (هرچند که این اصلاحات بسیار ناچیز باشد) آنان می‌توانند امیدوار باشند که موقعیت خود را در ایران تحکیم بخشند. بنا به اعتقاد برخی از محافل و حتی در میان طرفداران دولت جدید این تفکر رایج است که این دولت هنوز آنقدر باثبات و مقتدر نیست که بتواند با اطمینان خاطر و بدون ترس از بروز درگیریها و اغتشاش به حل مسئله نفت و از سرگیری روابط سیاسی با کشور انگلستان بپردازد. در هر صورت برای حل و فصل این مشکلات دولت جدید به رای مثبت مجلس و موافقت نمایندگان مجلس احتیاج دارد در حالی که وضعیت فعلی مجلس یک چنین امری را غیرممکن می‌سازد. البته کاملاً روشن است که راه حل اختلافات میان دو کشور ایران و انگلستان نمی‌تواند مستقیماً از طرف مقامات دولتی ارائه گردد. در یک چنین مذاکراتی از مقامات آمریکا به عنوان میانجی دعوت به عمل خواهد آمد و یک چنین میانجیگری برخلاف آنچه که آمریکا ادعا می‌کند بدون منظور و رایگان نخواهد بود. ضمناً کودتای ۱۹ اوت به امریکاییان این امکان را داد که موقعیت‌شان را در ایران به طور قابل ملاحظه‌ای تقویت کنند. این مسئله طبیعتاً موجبات ناخرسندی اتحاد جماهیر شوروی را فراهم آورد و تا حدودی احتمالاً دولت انگلستان را دچار نگرانی نموده است.

۱۲۵

در هر صورت در یک نگاه کلی به وقایعی که در چند هفته گذشته در ایران به وقوع پیوست درمی‌یابیم برنامه‌های دکتر فاطمی و حزب توده در به راه انداختن انقلاب و یا طرح ضدانقلابی ژنرال زاهدی؛ کشور ایران را دچار تغییر و تحول نموده‌اند. تا به امروز دولت ایران سیاست تعادل در روابط خود با شرق و غرب را رعایت می‌نمود و در این کشور میان نفوذ انگلستان در مناطق جنوبی کشور و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی به یک نوع تعادل رسیده بود.

جهت‌گیری دولت دکتر مصدق در طی روزهای آخر عمر کابینه‌اش به سوی برنامه‌ها و سیاستهای چپ و پس از آن پیاده نمودن سیاست دست راستی از سوی زاهدی حفظ و نگه‌داری سیاست برقراری توازن میان نیروهای چپ و راستی را غیرممکن ساخته بود. بحرانهای اخیر به طور ناگهانی دشمنی و مبارزه میان این دو سیاست را شتاب بخشیده بود. ایرانیان که تا همین چند روز پیش توانسته بودند از انتخاب کردن یا جبهه‌گیری یکی

از دو قطب قدرت دوری ورزند، ولی اکنون به نظر می‌آید که از میان این دو قطب یکی را برگزینند. در نتیجه در سیاست داخلی ناگزیر هستند از میان دو نظام جمهوری و پادشاهی یکی را انتخاب نمایند. در صحنه سیاست خارجی نیز می‌بایستی یکی از کشورها؛ آمریکا یا شوروی یکی را برای دوستی و برقراری روابط برگزینند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی